

آیه و آیات

محمد افنان

اصطلاح آیه از ریشه "ا و ی" (الف، واو، یاء) مشتق شده و در قرآن مجید، و بعداً در معارف امر بدیع، معنی و مفهومی کاملاً مخصوص و مشخص پیدا کرده است. این کلمه اگرچه در قرآن نیز متضمن همان مفهومی است که در آثار فراوان امر بابی-بهائی آمده، ولی احتمالاً در ذهن عامه اهل علوم اسلامی وضوح کامل و مفهوم خاص خود را نیافته است. این کلمه و معادل مشابه آن در عبری به معنی اثر و نشانه و معادل کلمه sign در انگلیسی است و مفهوم عام آن به معنی علامتی است که در آن خداوند متعال امر و اراده خود را ظاهر ساخته و مخصوصاً متضمن قدرت و احاطه الهی است. کلمه آیه و همزاد آن در عبری در تورات و انجیل و قرآن به مناسبت‌های مختلف آمده و به طور کلی برای هر تشابه و علامتی که از جانب خدا باشد به کار رفته است. مفاهیم وسیع و متنوع آیه و آیات در این سه کتاب اسمانی شامل معجزه، علائم قدرت و اراده حق، شواهد اثبات امور الهی در موارد مختلف در مظاهر وجود، کیفیت و اثر آداب و احکام دینی، و بالاخره وسیله انذار و تخویف می‌باشد. اما در قرآن اختصاصاً آیات برای کلام ملفوظ نیز آمده و آن را حجت بالغه باقیه مقرر فرموده است، و این کیفیت از مفهوم آیه و آیات است که در امر بدیع اهمیت خاص پیدا کرده و ملاک شناسائی ظهور مظاهر الهی معرفی شده است. در آیات ۴۹-۵۱ سوره عنکبوت (۲۹) می‌فرماید: "هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ (مَنْ رَبَّهُ فُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ) أَوْلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ

مِن
مُسِين

يُؤْمِنُونَ"؛ و در تبیین آن در آیه ۷ سورة آل عمران (۳) چنین نازل: "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ". در قرآن کریم اشارات متنوع در آیات متعدد از دو اصطلاح آیه و آیات نازل شده که همه مورد اشاره قبل را در بر دارد، اما مخصوصاً در باره آیات ملفوظ تذکر و یادآوری فرموده که: "تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ" (سورة آل عمران، آیه ۱۰۸)

در تعریف آیه همه اهل اطلاع اتفاق نظر دارند و آن را کلامی از قرآن که معنی و مفهوم آن کامل و جامع و شامل باشد ذکر کرده‌اند. در حقیقت آیه از لحاظ دستور زبان همان جمله است که برای تفخیم و احترام به این حقیقت که کلام مظهر الهی است اسم مخصوص به آن اطلاق شده و به همین جهت مفهوم کلمه آیه متضمن بیان عظمت و خلاقیت معنوی آن است.^۱

بررسی این نکته که اصطلاح آیه در آثار این دور بدیع به چه مفاهیم و مقاصدی به کار رفته محتاج تحقیقی مستقل و خارج از بحث این مختصر است. مقصود از این بررسی تحقیقی مقدماتی در باره مفهوم آیه و آیات ملفوظ است که مدرک و مستند دو ظهور کلی الهی در این دور بدیع بوده و تمایز حق از باطل به آن موکول است. تصفح و بررسی آثار حضرت نقطه اولی این نکته را نشان میدهد که حضرتش دلیل حقیقت دعوت خود را نزول بلاانقطاع و سریع آیات مقرر فرموده و دلیل موعود بیان (من یظهره الله - حضرت بهاء الله) را نیز به آیات منحصر فرموده است (بیان فارسی، واحد ششم، باب هشتم)، و در مقام احتجاج و استدلال عدم امکان تقلید از آیات را تصریح نموده، و مخالفان و معترضان را به آوردن کلمات و آیاتی همانند آثار مبارکش دعوت کرده و آنان را بدینوسیله ملزم فرموده است، و چون کسی به این کار توفیق نیافته و حتی جرأت مقابله به مثل ننموده، آن را به عنوان اظهار معجزه بیان نموده و کیفیت مشترک بین قرآن و آثار مبارکه معرفی فرموده است. به طور کلی، در خصوص کیفیت آیات ذکر این مطلب لازم است که آیات ملفوظ و کلمات صادره در قرآن و مخصوصاً آثار متعدده این دور اعظم از جهت قواعد زبان، چه عربی و چه فارسی، عموماً با قطعات فخیم ادبی، و بعضاً با آثار ساده و روان، تشابه و تناسب دارد. اما آیات، بنا بر اراده الهی، دارای تأثیرات مخصوصی است که در عمل مردم را به دو گروه مؤمن و معاند تقسیم می‌نماید. اگرچه گروه معاند و مخالف، بر خلاف اهل ایمان، به آیات و کلمات الهی ایمان نمی‌آورند، مع ذلك در برابر تحدی و دعوت صاحب آیات که "فاتوا بآیة من مثله" است نیز ناتوان می‌مانند و از قبول

اين پيشنهادهای تن می‌زنند و تاریخ شاهد این حقیقت است که همواره جواب این پيشنهادهای تکفیر و ردّ و بهانه‌جویی و اعراض بوده است.

لازم به تأکید نیست که کلمات و آثار نازل از مظهر حقّ باید متضمّن خصوصياتی باشد که اصطلاح آيات بر آن درست آید، و این مطلب شامل دو نکته است، نخست کیفیت ترتیب و ترکیب آن، دوم قدرت اعجاز آن، که هر دو در آثار مبارکه تجلی دارد.

در این مختصر فرصت آن نیست که از همه آثار این دور بدیع استشهاد کرد و استفاضه نمود، فقط به مواردی معدود از آثار حضرت نقطه توجه و توسّل می‌شود تا بدینوسیله دلائلی بر این مختصات ارائه شده باشد.

۱- کیفیت ترکیب و ترتیب آيات و کلمات نازل

الف) بدعیت و اصالت کلام

در صحیفه عدلیه چنین نازل: "حال آنکه حروف بیست و نه گانه بر ید علماء بوده و هست و این نهج بدیع بر ید احدی جاری نگشته و ممکن نیست. هر گاه عالمی قلم دست گرفت و بدون اخذ از کتاب الله بر فطرت آياتی نوشت ظاهر میشود که امر بغایت عظیم و صعب است و در حقّ احدی ممکن نیست الاّ من شاء الله، که نه تنها متضمّن اظهار امر الله است، بلکه به انحصاری بودن آن تصریح مخصوص فرموده است." (محفظه ملی آثار، شماره ۸۲، ص ۱۵۰) و در توییعی خطاب به خال اصغر چنین فرموده: "به حقّ خداوندی که جانم بر ید اوست که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند به اینکه یک آیه بیاورند عاجز خواهند شد. اگر هم چیزی بیاورند کلمات مسروقه خواهد بود، نه اینکه بر لسان ایشان بر فطرت جاری شود..." (محفظه ملی آثار، شماره ۹۱، ص ۱۷۳)

ب) سرعت نزول آيات

در کتاب مستطاب بیان است که "هر گاه کسی تصوّر در ظهور این شجره نماید بلا ریب تصدیق در علوّ امر الله مینماید زیرا که از نفسی که بیست و چهار سال از عمر او گذشته و از علومی که کلّ بانها متعلّم میگشته متعری بوده و حال باین نوع که تلاوت آيات مینماید بدون فکر و تأمل و در عرض پنج ساعت هزار بیت در مناجات مینویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیّه در علوّ

مقامات معرفت و توحید ظاهر مینماید که کلّ علما و حکما در آن موارد اعتراف بجز از ادراک آنها نموده شبهه نیست که کلّ ذلک من عندالله هست." (بیان فارسی، باب ۲، واحد ۱)

۲- قدرت اعجاز

اعجاز در حقیقت ارائه و اتیان آثار و دلائلی است که همگان از آوردن همانند آن عاجز و ناتوان باشند، و این مطلب در قرآن مجید با دعوت پیغمبر اکرم از غیرمؤمنان به آوردن سوره‌ای همانند سُورِ قرآن ذکر شده است (سوره بقره، ۲، آیه ۲۳): "وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ...". در امر بدیع این مقابله و تحدی به یک آیه منحصر شده و مکرر در موارد مختلف مخالفان ظهور به ارائه کلمات و کتبی برای مقابله با ظهور حق دعوت شده‌اند. در کتاب الاسماء می‌فرمایند: "فاذا روا آیات بینات من عند اعجمی لم يتعلم بما هم يتعلمون فاذا علی دینهم و ما نزل الله فی الفرقان لا سبیل لهم الا و ان يقولون هذا من عندالله المهیمن القیوم و ان يقولون لا یکفینا هذا. جردهم الله و قوله فی الفرقان من قبل قل انتم آیه الاعلی فی سورة العنکبوت لتقرئون ... و ان انتم فی ریب من هذا فاتوا بأیه واحدة ان کنتم مدعین. لن تستطیبا و لن تقدروا و ان بما قد قضی الله فی الفرقان قد خرجتم عن دینکم و لا نستطیعون ان ترجعون." (محفظه ملی آثار، شماره ۲۹، ص ۲۶۸)

مفهوم بیان این است که با زیارت آیات بینات که از قلم حضرتش که عرب نیست و علوم آنها را نیاموخته نازل شده باید بر حسب دلالت آیه سوره عنکبوت ایمان آورند ... و اگر در شک و تردید هستند جا دارد که در مقابل آن اظهار و اتیان آیات، حتی یک آیه، بنمایند و چون بر این کار قادر نیستند از دین خود (اسلام) خارج شده‌اند و راهی به سوی حقیقت اسلام نخواهند یافت. و در رساله ذهبیه (نازل در شیراز) نیز چنین تحدی فرموده که: "و علیک یا ایها الناظر بالانصاف و الحبّ فان ذلک حکم الدین و لا تصعب علی نفسک الامر و فکر فی مقام المیزان. ان استطعت بالمبارزة فخذ القلم و اجره علی الالواح و الا شأن الجواب فی مقام العلم بکلمات اهل الرسوم لا ینفع احدا ولو کان حقاً ... لا قول ان کلّ شبهات اهل الجمال و اعتراضات اهل النقل یرجع بصحة المیزان و عجز اهل البیان ... و ان دلیل حجته هو عجز ما سواه و لا عرفانه لانتک لن تقدر ان تعرف الفضاحة الواقعية الجارية من خزائن الفطرة ... فانی قد نرکت المراء و لا احبّ مع ما کان الحق معی ان اجادل مع احد لانی بالیقین لاری لا یقدر ان یقوم معی فی شأن کلمات الحجیة التي تجری من لجة بحر الفطرة و طمطمایم القدرة احدٌ ولو ینفکرون فیما یقولون لینصفون و یعتذرون." (محفظه ملی آثار، شماره ۵۳، صص ۱۷۰-۱۷۴)

در اين بيان مطلب همه بر اساس ذکر ميزان تمايز حقّ از غير اوست که تنها بوسيله نزول آيات اثبات ميشود، و در ضمن آن حضرتش مخاطب و خواننده را به مقابله و مبارزه روحاني دعوت مي‌فرمايد و تصريح مي‌فرمايد که اگر اهل نظر تفکر کنند انصاف خواهند داد و عذر خواهند خواست و اين استدلال مبني بر آيه قرآني است که مي‌فرمايد: "لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... " (سوره عنکبوت، ۲۹، آيه ۴۶)

در خاتمه اين مطلب استشهاد به اين کلام بهترين ختام در باره آيه و آيات است: "همين است دين خالص خداوند احد. هر کس مي‌خواهد تصديق نمايد از براي نفس خود تصديق نموده و هر کس هم مي‌خواهد تکذيب نمايد از براي نفس خود تکذيب نموده و حجّت خداوندي بالغ است بر کلّ عالم. الا يا ايها الناس من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فانا فقد اعرفه بنفسي من احبّني فقد احبّ الله و رسوله و اوليائه و من جهلني فقد جهل الله و رسوله و اوليائه و كفى بذلك لنفسى فخراً و كفى بالله على شهيدا" (رساله عدليه، محفظه ملي آثار، شماره ۸۲، ص ۱۵۹)^۲

توضیح

^۱ در خصوص اهميت کلام، حضرت نقطه در تفسير حرف هاء (از آثار نازله در شيراز) چنين فرموده: "ولو علم الله شيئا اشرف من الكلام ليجعله بينه و بين رسله". بيان مبارک فوق در حقيقت تأييد و امضای شعر معروف است که گفته:

گر بُدی گوهری و رای سخن آن فرود آمدی بجای سخن.

^۲ برای مطالعه تکميلي در باره آيات نازله در دور بيان علاقمندان می‌توانند به خوشه‌هائي از خرمن ادب و هنر، ج ۶، صص ۶۸-۹۳ مراجعه فرمایند.